



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه مطالعات
امنیت و پیشرفت
I.S.D.S

بازخوانی مواضع جدید دموکرات‌ها

در قبال ایران

ابرا‌رن‌گار ۱۶۳ | مرداد ۱۴۰۴

پژوهشگاه مطالعات امنیت و پیشرفت

پژوهشکده ابرار معاصر تهران



بازخوانی مواضع جدید دموکرات‌ها در قبال ایران

ابراہنگار ۱۶۳

پژوهشگاه مطالعات امنیت و پیشرفت

پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران

۱۴۰۴

بازخوانی مواضع جدید دموکرات‌ها در قبال ایران

تدوین و انتشار: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران

تاریخ انتشار: مرداد ۱۴۰۴

تلفن و دورنگار: ۸۸۹۱۲۴۳۶-۸۸۹۰۱۹۵۷

نشانی اینترنت: www.tisri.org

تیراژ: محدود

خلاصه مدیریتی

- نوشتار حاضر به دنبال بازخوانی مواضع جدید دموکرات‌های آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران و بررسی نقش آنان در رویکرد جدید دولت ترامپ است. فرضیه اصلی آن است که دموکرات‌ها، علی‌رغم اختلافات حزبی با ترامپ، در عمل با سیاست فشار بر ایران همراه شده‌اند. این همراهی به دلایل متعددی از جمله تضعیف جایگاه ایران، تحولات منطقه‌ای و هماهنگی با رژیم صهیونیستی صورت گرفته است. در عین حال، تفاوت‌هایی در لحن و راهبرد میان دموکرات‌ها و جمهوری خواهان دیده می‌شود.

- دموکرات‌ها به دو جریان اصلی تقسیم می‌شوند: جریان اول، در اقلیت، با مواضع تند و حتی حمایت از حمله نظامی، مانند جان فترمن و چاک شومر، خواهان برخورد سخت با ایران‌اند. این طیف اگرچه در اقلیت قرار دارد، اما نقش نمادین و رسانه‌ای مهمی ایفا می‌کند. آن‌ها توافقی مانند برجام را بی‌فایده دانسته و معتقدند فرصت تاریخی برای تحمیل خواسته‌های واشنگتن فراهم شده است.

- جریان دوم که جریان غالب در حزب دموکرات است، بر دیپلماسی، اما با خواسته‌هایی سخت‌گیرانه‌تر از برجام تأکید دارد. چهره‌هایی مانند بلینکن و سالیوان با تأکید بر ضعف کنونی ایران، مذاکرات دولت ترامپ را فرصت دانسته و از توافقی «قوی‌تر و طولانی‌تر» حمایت کرده‌اند. جان کری نیز خواستار محدودیت‌های بیشتر بر غنی‌سازی، نظارت‌های گسترده‌تر بر

سایت‌های هسته‌ای و محدودیت‌های موشکی شده است. این جریان معتقد است توافقی جامع می‌تواند بدون جنگ، ایران را به عقب براند. نگاه آنان در ظاهر با ترامپ متفاوت است، اما در هدف نهایی (تحمیل محدودیت به ایران) اشتراک دارند.

- زمینه تحول در مواضع دموکرات‌ها را باید در تغییر محیط منطقه‌ای و بین‌المللی جست‌وجو کرد. پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، آمریکا در همراهی با رژیم صهیونیستی، سیاست مهار و بازدارندگی را به سیاست فشار ترکیبی تبدیل کرد. در این فضا، حتی دموکرات‌ها نیز به این جمع‌بندی رسیدند که تضعیف ایران، فرصتی کم‌سابقه برای اعمال فشار حداکثری است.

- در مجموع، مواضع دموکرات‌ها نشان از همراهی غیررسمی با ترامپ دارد، هرچند از حمایت علنی پرهیز می‌کنند تا مواضع حزبی خود را حفظ کنند. آنان خواهان توافقی هستند که از نظر ساختاری سخت‌گیرانه‌تر، قابل راستی‌آزمایی و پایدارتر از برجام باشد. هدف این است که ایران در تمامی ابعاد قدرت ملی، از جمله منطقه‌ای و موشکی، به عقب رانده شود. در عین حال، دموکرات‌ها نقش خود را مکمل دیپلماسی می‌دانند نه تابع فشار صرف.

مقدمه

رویکرد فشار هوشمند دولت اوباما در قبال ایران، اعمال تحریم‌های به اصطلاح فلج‌کننده و مذاکرات پنج به علاوه یک، منجر به توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ یا برجام شد. برجام از ابتدا مورد غضب جمهوری خواهان آمریکا واقع شد و هرچند به موجب قانون (اینارا ۲۰۱۵)^۱ باید برای بررسی به کنگره ارائه شود (Senate, 2015) اما هیچ‌گاه به عنوان یک معاهده برای تصویب به نهادهای قانون‌گذاری این کشور ارائه نشد. مهم‌ترین دلیل آن هم تبدیل این موضوع به مسئله‌ای جناحی و عدم امکان تصویب این توافق به علت مخالفت جمهوری خواهان بود. در نهایت نیز با خروج دولت ترامپ از برجام و ناتوانی کشورهای اروپایی در برآوردن خواسته‌های ایران، این توافق تا آستانه مرگ پیش رفت. دولت بایدن که وعده احیای برجام در قالب توافقی «قوی‌تر و طولانی‌تر» را داده بود پس از چند دور مذاکرات، در اوج جنگ اوکراین و تحولات داخلی ایران، عطای احیای توافق را به لقای آن بخشید و سیاست مدیریت وضعیت کنونی و کنترل تنش با ایران را در پیش گرفت. در جریان رقابت‌های ریاست جمهوری ۲۰۲۴ آمریکا، دونالد ترامپ وعده توافقی جدید با ایران و جلوگیری از دستیابی تهران به سلاح هسته‌ای را به کانون وعده‌های خود در حوزه سیاست خارجی بدل کرد. این وعده همزمان با تنش‌های

1. Iran Nuclear Agreement Review Act of 2015

منطقه‌ای پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و تقویت انگاره تضعیف ایران مطرح شد. ترامپ در چنین وضعیت و شرایطی، پس از آغاز دومین دوره ریاست‌جمهوری خود، رویکرد فشار حداکثری اقتصادی-نظامی و همزمان مذاکره را برای رسیدن به توافق مطلوب خود دنبال کرد. در این میان، دموکرات‌ها شامل مقامات دولت بایدن و اوباما و برخی سناتورها موضعی را همزمان با مذاکرات بیان کردند که از جنبه‌هایی متفاوت از مواضع گذشته آنها به‌نظر می‌رسید. هرچند اغلب آنها در اظهارات و نوشته‌های خود به ارجحیت دیپلماسی باور داشتند اما در راستای رویکرد ترامپ، راضی به توافقی مانند برجام نبودند و به چیزی فراتر از آن می‌اندیشیدند. اینگونه به‌نظر می‌رسد که دموکرات‌ها نقش خاص خود را در فرایند اقدامات دولت ترامپ در برابر ایران ایفا کرده‌اند و اثرگذاری ویژه خود را داشته‌اند.

۱. مواضع جدید دموکرات‌ها درباره مذاکرات هسته‌ای

در ارتباط با نگرش کنونی نسبت به برنامه هسته‌ای ایران می‌توان دموکرات‌ها را به دسته تقسیم کرد: دسته نخست که در اقلیت قرار دارند به رویکردی سختگیرانه در قبال ایران اعتقاد داشته و باور دارند مقطع کنونی فرصت اخذ امتیازات و پیگیری اقداماتی است که در گذشته امکان آنها وجود نداشته و شاید در آینده نیز ایجاد نشود. حتی یکی از سناتورهای دموکرات یعنی جان فترمن به لزوم نابودی تأسیسات اتمی ایران از طریق حمله نظامی اشاره کرده بود. فترمن شاید تنها دموکرات برجسته‌ای باشد که از خروج دولت نخست ترامپ از توافق هسته‌ای حمایت کرده است (Heavey, 2025)؛ البته وی در حزب دموکرات به دلیل سایر مواضعش در حوزه مسائل داخلی و همچنین رفتارهای خارج از عرف، افسردگی و سکتة مغزی، در انزوا قرار گرفته است.

تأثیرگذارترین فرد در دسته نخست چاک شومر رهبر دموکرات‌های سناست که مهم‌ترین دموکرات مخالف توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ نیز بود. شومر پیش از جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی، با تروریست‌نامیدن جمهوری اسلامی ایران مدعی شد که دولت ترامپ به دنبال توافقی پنهانی با ایران است. به گفته وی، توافق مورد نظر ترامپ، توافقی ضعیف بوده که دست ایران را برای هر کاری باز می‌گذارد. شومر همچنین اضافه کرد که هر توافق پنهانی با ایران باید علنی شده و به کنگره ارائه شود (Fields, 2025). همان‌طور که اشاره شد، اظهارنظرهایی این چنین از سوی فترمن به دلیل شرایط خاصش و توسط شومر به علت سوابقش، دور از انتظار و تعجب‌برانگیز نبوده و البته این گروه از دموکرات‌ها در اقلیت قرار داشته‌اند. هرچند می‌توان با توجه به برخی شواهد و قرائن این فرضیه را مطرح کرد که تعداد دیگری از دموکرات‌ها نیز از رویکرد سخت در برابر ایران حمایت می‌کنند اما به دلیل برخی مسائل سیاسی و عدم انطباق منطقی این رویکرد با سیاست پیشین دموکرات‌ها، از بیان علنی آن صرف‌نظر کرده‌اند.

دسته دوم که طیف گسترده‌ای از دموکرات‌ها و به نوعی جریان اصلی این حزب را شامل می‌شود به رویکردی دیپلماتیک و رسیدن به توافقی که خواسته‌های آمریکا را برآورده کند و ایران نیز حاضر به پذیرش آن باشد، اعتقاد دارند. این دسته نیز البته به دلیل تحولات اخیر منطقه و باور به تضعیف عناصر قدرت ایران، توافقی همچون برجام را ناکافی دانسته و خواستار توافقی با اعطای امتیازات بیشتر از سوی ایران هستند. در این دسته، شخصیت‌های برجسته اجرایی دولت‌های اوباما و بایدن جای می‌گیرند. آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه دولت بایدن در مصاحبه با شبکه سی‌ان‌بی‌سی با استقبال از مذاکرات دولت ترامپ با ایران اظهار داشت که ابزار نظامی در

ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران اثرگذاری کمتری نسبت به یک توافق پایدار دارد. وی اضافه کرد ایران در ضعیف‌ترین وضعیت خود قرار دارد و اکنون زمان توافق است. بلینکن ابراز امیدواری کرده بود که ترامپ از این فرصت استفاده کند (CNBC Television Youtube Channel, 2025). جیک سالیوان مشاور امنیت ملی جو بایدن طی مصاحبه‌ای، اظهاراتی بر این مبنا بیان کرده بود که توافق احتمالی ترامپ با ایران شباهت بسیاری با برجام خواهد داشت و استثنائاً در این موضوع خاص در سیاست خارجی، خود را همراه با ترامپ مشاهده می‌کند (Jacobs, 2025). سالیوان همچنین در آستانه آغاز به کار دولت ترامپ گفته بود که ایران در ضعیف‌ترین نقطه خود پس از انقلاب قرار دارد و یک بازنده بزرگ محسوب می‌شود. وی دولت ترامپ را به تفکر دقیق در ارتباط با اینکه چگونه می‌توان در برابر ایران ایستاد و از عدم دستیابی تهران به سلاح هسته‌ای اطمینان حاصل کرد، فراخوانده بود (Npr, 2024).

در این میان، یادداشت جان کری در وال استریت ژورنال بیش از همه، تکامل مواضع دموکرات‌ها به موازات تحولات چند سال اخیر را نشان می‌دهد. وی در این یادداشت که به طور مشترک با توماس کاپلان به نگارش درآمده، بیان کرده است: «در حالی که برخی استدلال می‌کنند که اکنون زمان تمرکز بر یک توافق هسته‌ای جدید است، ما باور داریم که امتیازات گسترده‌تر نیز قابل حصول هستند. توافق جدید می‌تواند و باید فراتر از مذاکرات قبلی برود. آقای ترامپ می‌تواند به دنبال توافقی باشد که برای همیشه از برنامه مخرب هسته‌ای ایران جلوگیری کند. اول، ایران باید از غنی‌سازی فراتر از کاربردهای غیرنظامی منع شود و مکان‌های هسته‌ای نیز نابود یا پلمپ شوند. همچنین تعیین سقف سخت‌گیرانه‌ای بر میزان مواد شکافت‌پذیر در اختیار ایران، همراه

با یک رژیم بازرسی جامع برای تضمین پایبندی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. این تعهدات باید پایدار و قابل راستی‌آزمایی باشند. تهران باید محدودیت‌های سفت و سختی را بر برنامه موشک‌های بالستیک خود بپذیرد و به حمایت از گروه‌های نیابتی خاتمه دهد». کری و کاپلان اضافه کردند: «وضعیت ژئوپلیتیکی، گزینه بهتری برای ایران ندارد. رهبر عالی ایران این فرصت را دارد که پیش از مواجهه نظامی با آمریکا و اسرائیل از راهبرد نیابتی خود روی گرداند. آقای خامنه‌ای چندین بار اعلام کرده است که به دلایل اخلاقی و مذهبی مخالف سلاح هسته‌ای است. اگر واقعاً قصدی برای ساخت سلاح وجود ندارد، چرا در ازای اطمینانی که همراه با یک توافق می‌آید، از جنگی با عواقب فاجعه‌بار برای منطقه جلوگیری نشود؟» (Kerry & Kaplan, 2025).

۲. هدف دموکرات‌ها از اعلام این مواضع

دولت بایدن - به‌عنوان آخرین دولت دموکراتی که قدرت را در کاخ سفید در اختیار داشت - تا پیش از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ با سویه‌ای تدریجی، ترکیبی از مهار، بازدارندگی و تنش‌زدایی را در قبال ایران در پیش گرفته بود. آن دولت درصدد بود با حفظ گزینه نظامی و از طریق اشراف اطلاعاتی، برنامه هسته‌ای ایران را مهار کرده و همچنین در برابر ایران و جبهه مقاومت در منطقه به‌وسیله حفظ نیروها، استقرار تجهیزات نظامی و ناوهای جنگی و ایجاد نوعی از یکپارچگی دفاعی متحدان آمریکا، بازدارندگی ایجاد کند. علاوه‌براین، دولت بایدن به تحولات احتمالی داخلی در ایران - در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و جانشینی - چشم دوخته بود. رژیم صهیونیستی به‌عنوان مهم‌ترین و مؤثرترین متحد آمریکا در منطقه، نقشی کلیدی در تمامی عرصه‌های یادشده ایفا می‌کرد. پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، این متحد بقای خود را در خطر دید و

همزمان فرصتی برای توسعه‌طلبی‌های منطقه‌ای خود یافت. دولت آمریکا دست رژیم صهیونیستی را با انواع کمک‌های نظامی، اطلاعاتی و سیاسی باز گذاشت و رفتار تهاجمی رژیم، رویکرد تدریجی دولت آمریکا را در قبال ایران دستخوش تغییر و تحول ساخت.

دموکرات‌ها خود را با رویکرد رژیم صهیونیستی و تحولات شتابان منطقه‌ای هماهنگ کردند. رویکرد دولت ترامپ را می‌توان تداوم منطقی رویکرد دولت بایدن در سایه پذیرش انگاره تضعیف ایران دانست. به عبارت دیگر، تحولات منطقه، دموکرات‌ها، جمهوری‌خواهان و رژیم صهیونیستی را در اینکه مقطع کنونی، فرصتی کم‌نظیر برای رسیدن به اهداف دیرین در قبال ایران است، به نقطه مشترک رساند؛ این فرصت شامل تضعیف و حذف متحدان ایران در منطقه، کاهش سرمایه اجتماعی در ایران ناشی از مشکلات اقتصادی و نارضایتی‌های اجتماعی و ایجاد تهدید معتبر نظامی و در نتیجه اجبار تهران به پذیرش خواسته‌های حداکثری آمریکا در حوزه‌های هسته‌ای، منطقه‌ای و موشکی است. هر چند شاید، آمریکا خود به صورت مستقیم اراده به تغییر نظام سیاسی را به منصفه ظهور نرساند اما از چنین نتیجه‌ای در صورت عدم بروز هرج و مرج در منطقه، استقبال می‌کند.

می‌توان ادعا کرد اغلب دموکرات‌ها با اهداف یادشده، همدل و همراه هستند اما بسیاری از آنها به دلایلی از حمایت علنی از رویکرد ترامپ امتناع می‌ورزند. ملاحظات سیاسی داخلی را می‌توان به عنوان دلیل نخست بیان کرد. دوقطبی بودن صحنه سیاسی آمریکا و نفرت نهادینه از ترامپ در حزب دموکرات مانع از حمایت آنها از سیاست‌های ترامپ می‌شود؛ حتی در موضوعی چون ایران که تا حدود بسیاری در مورد آن اجماع وجود دارد. البته برخی دموکرات‌های برجسته معتقد بودند که در نهایت توافقی مانند برجام

حاصل خواهد شد؛ در حقیقت، این دسته از دموکرات‌ها برای تحقیر اقدامات دولت ترامپ این‌گونه سخن گفته‌اند. باوجوداین، اظهاراتی این‌چنین می‌تواند با هدف افزایش انتظارات و گشایش دست مذاکره‌کنندگان آمریکایی ارزیابی شود. بنابراین، دلیل دوم عدم اعلام موضع علنی در حمایت از رویکرد ترامپ را می‌توان نقشی دانست که دموکرات‌ها برای خود در راستای منافع ایالات متحده ایفا می‌کنند. آنها احتمالاً قصد دارند که ایران را از لحاظ روانی در تنگنا قرار داده و وادار به اعطای امتیازات حداکثری نمایند.

دموکرات‌ها همواره سعی کرده‌اند برجام را به‌عنوان توافقی نشان دهند که به‌خوبی توانسته بود اجزای اصلی برنامه هسته‌ای ایران را در ازای امتیازات حداقلی محدود کند. ترامپ نیز ادعا می‌کند که آن توافق مسیر ایران به‌سوی سلاح هسته‌ای را مسدود نکرده و میلیارد‌ها دلار پول برای برنامه‌های منطقه‌ای و موشکی ایران فراهم کرده است. همچنین دموکرات‌ها مدعی بوده‌اند که برجام بهترین توافقی بوده است که می‌توانستند کسب کنند. اگر دولت ترامپ بتواند از طریق مذاکره یا مسیرهای غیردیپلماتیک، برنامه هسته‌ای ایران را با کمترین هزینه، به شدت محدود کند، در آن صورت، دموکرات‌ها نخواهند توانست به‌سادگی دستاورد ترامپ را زیر سوال ببرند. جدا از این، همانطور که اشاره شد هدف اصلی دموکرات‌ها از اظهارنظرهای ماه‌های گذشته را باید در چهارچوب منافع ملی این کشور مشاهده کرد. آنها نیز همانند جمهوری‌خواهان، بر این باورند که ایران کنونی با ایران سال‌های گذشته از لحاظ ابزارهای قدرت ملی به‌خصوص در منطقه متفاوت شده و در جایگاه ضعیف‌تری قرار دارد؛ بنابراین، مقطع کنونی را بهترین فرصت برای مقابله با ایران و تحمیل خواسته‌ها نه‌فقط در حوزه برنامه هسته‌ای بلکه در حوزه‌های منطقه‌ای، موشکی و حتی سیاسی می‌دانند.

نتیجه‌گیری

در مجموع، مواضع تازه دموکرات‌ها در قبال ایران نشان می‌دهد که این جریان، تاحدودی فارغ از گرایش‌های حزبی و با در نظر گرفتن شرایط ویژه منطقه‌ای و بین‌المللی، به دنبال بهره‌گیری حداکثری از وضعیت فعلی برای پیشبرد اهداف امنیتی و هسته‌ای ایالات متحده است. دموکرات‌های تندرو که در اقلیت قرار دارند، با حمایت علنی یا ضمنی از فشار سخت و حتی گزینه‌های نظامی، تلاش دارند خطوط قرمز جدیدی تعیین کنند؛ اما جریان اصلی حزب، دیپلماسی هدفمند و توافقی قدرتمندتر از برج‌ام را مبنا قرار داده‌اند. آن‌ها با تأکید بر ضرورت امتیازگیری بیشتر از تهران -از جمله محدودیت غنی‌سازی، بازرسی‌های فراگیر و محدودیت موشکی- سعی می‌کنند آمریکا را در موضعی فعال در برابر ایران قرار دهند.

این تغییر لحن و مواضع نشان‌دهنده هم‌راستایی دموکرات‌ها با جمهوری خواهان و متحدان منطقه‌ای آمریکاست؛ همه در این باور مشترک‌اند که ایران در ضعیف‌ترین نقطه خود پس از انقلاب قرار دارد و اکنون بهترین فرصت برای تحمیل خواسته‌های حداکثری است. در عین حال، دموکرات‌ها از حمایت علنی همه ابعاد رویکرد ترامپ اجتناب می‌کنند تا اولاً فاصله سیاسی را خود با جمهوری خواهان نشان دهند و ثانیاً توانایی دفاع از عملکرد گذشته خود را حفظ کنند؛ در عین حال، بر گزینه توافقی «قوی‌تر و با قابلیت راستی‌آزمایی بیشتر» پافشاری کنند. بدین ترتیب، نقش دموکرات‌ها در سیاست‌گذاری آمریکا درباره ایران، هم‌افزا با رویکرد فشار و همیار دیپلماسی پیش‌رونده است که هدفش فرو نشاندن توان هسته‌ای و منطقه‌ای ایران در قالب توافقی بلندمدت و قابل راستی‌آزمایی است.

منابع

1. CNBC Television Youtube Channel (April 2025). "Watch CNBC's full interview with former Secretary of State Antony Blinken". Youtube.
<https://www.youtube.com/watch?v=xuy7DwUIT2s>.
2. Fields, Ashleigh (2025). "Schumer warns Trump on Iran: 'No side deals'". The Hill.
<https://thehill.com/homenews/senate/5330381-schumer-trump-iran-nuclear-deal/>.
3. Heavey, Deirdre (2025). "Fetterman breaks ranks, praises Trump's Middle East policies: 'Did the right thing'". Fox News. <https://www.foxnews.com/politics/fetterman-breaks-ranks-praises-trumps-middle-east-policies-did-right-thing>.
4. Jacobs, Emily (2025). Jake Sullivan applauds Trump approach to Iranian nuclear negotiations. Jewish Insider. <https://jewishinsider.com/2025/05/jake-sullivan-applauds-trump-approach-to-iranian-nuclear-negotiations/>.
5. Kerry, John F. & Kaplan, Thomas S. (2025). Trump Has a Chance to Strike a Deal With Iran. Wall Street Journal. <https://www.wsj.com/opinion/trump-has-a-chance-to-strike-a-deal-with-iran-nuclear-negotiations-weapons-9bf64fe5>.
6. Npr (2024). NSA Sullivan: 'positive outcome' on Mideast ceasefire is possible before year's end. Npr. <https://www.npr.org/transcripts/nx-s1-5231966>.
7. Senate (2015). Iran Nuclear Agreement Review Act of 2015 – Section by Section. U.S. Senate. <https://www.foreign.senate.gov/imo/media/doc/Section%20by%20Section%20of%20Iran%20Nuclear%20Agreement%20Review%20Act.pdf>.



«پژوهشگاه مطالعات امنیت و پیشرفت» به منظور پاسخگویی به بخشی از نیازهای پژوهشی کشور در راستای تولید شناخت جامع از محیط امنیت ملی، پاسخگویی به نیازهای پژوهشی و مطالعاتی، انجام پژوهش‌های کاربردی و استقرار سیاست‌های پژوهش‌مبنا و تقویت فرآیند سیاستگذاری و حکمرانی کشور با رویکردی علمی و راهبردی تأسیس شد.

این مرکز در حال حاضر با چهار پژوهشکده «مطالعات راهبردی»، «ابرار معاصر تهران»، «مطالعات حکمرانی فرهنگی و اجتماعی» و «علوم و فناوری‌های نوظهور» در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، امنیت بین‌الملل و فناوری‌های نوظهور مشغول به فعالیت است.